

ادامه از صفحه اول

چالش‌ها و فرصت‌های نفتی در دولت آینده (۱)

۴- تشدید رشد آهنگ شدت مصرف انرژی:

بالابودن شدت مصرف انرژی از چالش‌های جدی دیگر در حوزه صنعت نفت است که عملا نفس و توان این صنعت را برای رقابتی شدن در سطح جهانی و نقش آفرینی در جایگاه پیشرانی توسعه‌کشور گرفته است. این چالش البته مسئله جدیدی نیست اما واقعیت این است که در سال‌های اخیر تحت تأثیر تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی و معیشتی، آهنگی رو به رشد و خطرناک یافته است.

قیمت‌گذاری نادرست، فقدان سازوکارهای مناسب برای توزیع عادلانه و توسعه‌محور حامل‌های انرژی و پرداخت یارانه‌های ناعادلانه و پنهان، صنعت نفت را در باب تجاری و توسعه‌ای به‌شدت دچار چالش کرده است؛ هرچند در سال‌های اخیر با تغییر برخی سیستم‌های مصرف یعنی جایگزینی برخی حامل‌ها مانند نفت سیاه، مازوت و گازوئیل در مصرف خانگی، صنعتی و نیروگاهی، بخشی از ظرفیت پالایشگاهی و صادراتی کشور در حوزه فرآورده‌های نفتی آزاد شده اما این اقدامات در مقابل شدت بالای مصرف انرژی کشور، چشمگیر نیست. اولویت مهم دولت آینده، حداقل توقف آهنگ رو به افزایش شدت مصرف انرژی کشور است؛ امری که با شرایط اقتصادی و معیشتی کنونی بسیار سخت است.

۵- بازگشت ایران به بازارهای جهانی نفت:

چالش مهم دیگر صنعت نفت، رفع تحریم‌ها و بازگشت ایران به بازار جهانی نفت است. در یک دهه اخیر تحت تأثیر تحریم‌ها، جایگاه ایران در بازار جهانی نفت به عنوان یک تولیدکننده سنتی و ریشه‌دار، دچار نوسان و آسیب شده است. طولانی شدن این شرایط به طور طبیعی بسیاری از مشتریان سنتی ایران را از گردونه تجاری نفت با ایران خارج کرده است. ایران در مسیر بازگشت به بازار جهانی نفت از یک سو با رقبای نفتی که عمدا و برنامه‌ریزی شده، نفت ایران را جایگزین کرده‌اند و از سوی دیگر مشتریانی که احتمالا ذائقه نفتی خود را به لحاظ فنی تغییر داده و مهم‌تر از آن اعتماد و اطمینان خود را به ایران از دست داده‌اند، مواجه است.

اگرچه ایران در یک برهه یعنی بعد از اجرای برجام در سال‌های ۹۴ تا ۹۶، تجربه بازگشت به بازار جهانی نفت آن‌هم در شکل سریع را دارد اما بازگشت دوباره تحریم‌ها و تشدید آنها، به طور خاص اعتماد و اطمینان خریداران نفت به ایران را نسبت به تکرار این شرایط تحریمی و ناپایداری دریافت نفت از ایران و ایجاد هزینه‌های اقتصادی و فنی برای خریداران کاهش داده است. در شرایط فعلی بازیابی مشتریان نفتی از مسئله رقابت با رقبا برای بازگشت به بازار نفت برای ایران اهمیت بیشتری دارد که این باید از هم‌اکنون مورد توجه دستگاه دیپلماسی سیاسی و نفتی قرار گیرد.

چالش‌های بالا در کنار ده‌ها چالش خرد دیگر، صنعت نفت ایران به عنوان صنعت پیشران توسعه را فراگرفته است. بی‌توجهی به این چالش‌ها یا رهاکردن آنها به گذر زمان، آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی بزرگی را به کشور وارد می‌کند که جبران آن سخت و حتی غیرممکن است. این چالش‌ها به طور طبیعی با برنامه‌ریزی و تدبیر در بخش‌های بالادستی سیاست‌گذاری و همچنین بخش‌های تخصصی و با تکیه بر فرصت‌های موجود قابل کنترل است. به فرصت‌های صنعت نفت برای دولت آینده در بخش دوم اشاره می‌شود.

شرق؛ گزارش گذشته، شرح حال و توصیه برای آینده؛ بیست‌ودومین و آخرین گزارش وزارت خارجه درباره توافق هسته‌ای با طول و تفصیل فراوان، هم‌زمان آنچه را در روند مذاکرات برجام و پس از اجرای آن به دست آمده تشریح می‌کند، مشکلات و موانع داخلی و خارجی و به‌خصوص چالش آفرینی‌ها را تبیین می‌کند که در صحنه سیاسی کشور بر سر راه تلاش‌های دیپلماتیک و سودمندی آنها مانع‌تراشی می‌کرد، وضعیت فعلی را توضیح می‌دهد و نقشه راه و چشم‌اندازی برای آینده توصیف و اقداماتی را مشخص می‌کند که انجام آنها می‌تواند منافع ملی را حفظ و تأمین کند. بخش مهمی از این گزارش با شرح دستاوردهایی که برجام در زمان اجرا داشته و عملکردی که دستگاه دیپلماسی در واکنش به اتفاقات و موانع داشته، عملا دفاعیه‌ای است در مقابل اتهامات فراوانی که در دوران صدارت محمدجواد

اسا چنان‌که گفته شد، در کنار نمودارها، توضیحات و تشریحات پرورنده برجام، بخشی به صورت خلاصه به نگاه تیم فعلی سیاست خارجی به گذشته، حال و آینده صحنه دیپلماسی در این پرورنده می‌پردازد. این بخش که با عنوان «و آخر دعوانا…» در گزارش آمده، گلابه‌ها را در همان ابتدای متن مطرح، اما تاکید می‌کند که هدف این بند، انتقال تجربه به تیم آینده است: «پس از دو سال مذاکره فشرده و طاقت‌فراسا برای دستیابی به یک توافق قابل قبول، نیز شش سال کوشش نفس‌گیر برای احرازست از حقوق ملت شریف ایران و جلوگیری از متلاشی شدن توافق همراه با هشت سال سازش‌نبدن، خون‌خوردن و دم‌برنیارودن بر سر اتهاماتی ناروا، اینک در آستانه واگذاری مسئولیت به برادران و خواهرانی تازه‌نفس و پُرنشاز لازم است چند تجربه و نکته به عنوان جمع‌بندی صادقانه و مشورت مشفقانه تقدیم شود.»

این نوشته، برجام را چنین توصیف می‌کند: «برجام حاصل کوششی عاشقانه برای رهاشدن ایران از دام امنیتی‌سازی آمریکا و تحریم‌های ظالمانه، در عین حفظ توان هسته‌ای با رعایت حداکثری خطوط قرمز در شرایطی دشوار بود؛ ولی همچون هر توافق دیگری حاصل مذاکره و دادوستد بین‌المللی است که در شرایطی خاص در سال ۱۳۹۲ش و به دنبال رای قاطع مردم به حل‌وفصل موضوع هسته‌ای بر اساس تعامل سازنده و عزتمند شکل گرفت.» این متن پس از توصیف برجام، به محدودیت‌های روند منتهی به این توافق اشاره می‌کند: «برجام در واقع یک توافق استراتژی‌هایی که رهنز اندیشه‌ش و عمل صبح در صحنه دیپلماسی هستند، هشدار می‌دهد: «هیچ توافقی برای هیچ‌یک از طرف‌های آن توافق بی‌نقص نیست؛ هر یک از طرف‌ها از بخش‌هایی از توافق ناراضی و ناخشنود است. این طبیعت هر توافقی است؛ لذا لازمه رسیدن به توافق درک این واقعیت است که بدون توجه به حداقل قابل قبولی از نگرانی‌ها و مطالبات همه طرف‌ها، امکان مصالحه وجود ندارد. گرایش حداکثری تنها به مذاکرات فرسایشی و بی‌پایان می‌انجامد که تقریبا در تمامی شرایط ضرر و یا لاقل عدم‌النفع آن برای کشور و مردم از منافع فرضی رسیدن -ناممکن- به توافق ایدئال کمتر نیست». در ادامه متن توضیح بیشتری دراین‌باره داده می‌شود و ملزومات تعامل دیپلماتیک با درنظرگرفتن این حقیقت برشمرده می‌شود: «تلاش هر یک از کنشگران برای پیروزی به هزینه شکست طرف مقابل -بازی با حاصل جمع صفر- به ناکامی هر دو طرف -بازی با حاصل جمع منفی- می‌انجامد؛ البته ممکن است ضرر همه طرف‌ها یکسان نباشد. در دنیای به‌هم‌پیوسته کنونی تنها درنظرداشتن منافع همه طرف‌ها -بازی با حاصل جمع مثبت- است که می‌تواند نتیجه مطلوب را به‌همراه داشته باشد». بند اتمام حجت دستگاه دیپلماسی، اشاره می‌کند که عرصه دیپلماسی، عرصه قهرمانی و کسب شهرت و محبوبیت با بلندپروازی و ادعا نیست. اما درعین‌حال در آنچه شاید اشاره‌ای تلویحی به بحث پیروصدمای دو ماه پیش درباره صحبت‌های ظریف باشد، تاکید می‌کند که دستاوردهای «میدان» با نقش آفرینی دیپلماسی به ثمر می‌نشیند و در شکست‌های آن نیز دستگاه دیپلماسی می‌تواند ضرر و هزینه را به حداقل

بخش عمده از متن گزارش به شرح اقدامات و امتیازات متقابلی می‌پردازد که در روند برجام بین دو طرف تبادل شده و بناسند در صورت احیای برجام نیز به جای خود برگردند. در تنظیم این بند به احتیاط قریب به یقین دانسته‌شده‌ است احیای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای که هم‌اکنون گفت‌وگوهای احیای برجام در وین را پی گرفته است، لحاظ شده‌اند؛ البته تبصره‌ای به روند گفت‌وگوهای احیای برجام زده می‌شود که

ظریف بر وزارت خارجه و به شخص وزیر زده می‌شد و ردیه‌ای است بر ادعاهای نادرستی که درباره تحریم‌ها، نتیجه برجام و آثار مذاکرات مطرح می‌شد. این گزارش بعد از شرح این ماجراها و پس از توضیحات فنی و حقوقی، با بندی تمام می‌شود که در نوعی اتمام حجت، شرح می‌دهد که چگونه برخی روندهای نادرست و تصمیمات عاری از دوراندیشی باعث شد هم منافع توافقات و تلاش‌های دیپلماتیک آن‌طور که باید و شاید به دست مردم نرسد و هم مانع از این شد که تعاملات مفید به عنوان عاملی پیشگیرانه عمل کنند، در مقابل اقدامات تخریبی کسی مثل دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده. این بند آخر از همان عنوانش «و آخر دعوانا…» از شکل گزارش و فنی بیرون آمده و به عبارتی می‌توان گفت این بخش بناسند پیام تیم ظریف برای مردم و برای ایثت در تاریخ باشد. متن اصلی این گزارش که به صورت یک

برگ آخر



برساند: «به همین دلیل رسیدن به توافق نیازمند شهامت و ایثار و آمادگی برای هزینه از آبرو و رجحان‌بخشیدن منافع ملی به مصالح شخصی است. تفاهم -که نیازمند نوعی مصالحه است- در میج فرهنگ و جامعه‌ای بدو مطلوب و محبوب نیست و قهرمانان تاریخی بیشتر جوامع انسانی، جنگ‌آوران و مبارزان میدان نبرد بوده‌اند و نه کنشگران عرصه دیپلماسی، تفاهم و مصالحه. اما واقعیت آن است که دستاورد هر جنگی در پشت میز مذاکره نقد می‌شود و ناکامی‌های هر نبردی در مصاف دیپلماتیک تعدیل -و نه واگزن- می‌شوند.» بار دیگر توضیح عملی می‌شود که واردکردن دیپلماسی به عرصه بازی‌های سیاسی و دخالت‌دادن خط و ربط‌های این عرصه در تصمیمات سیاست خارجی، به منافع ملی صدمه می‌زند: «منافع ملی و مصالح عالی مردم و کشور اقتضا می‌کند که سیاست خارجی صحنه دعوای سیاسی و جناحی داخلی نباشد و کارگزاران این حوزه مستظهر به پشتوانه اجماع ملی و ومدلی و همراهی عمومی -البته همراه با نظارت و نقد مشفقانه- باشند. نقد سازنده نیازمند ارانه پیشنهادهای و واقع‌بینانه است و نه صرفا پرده‌بردگی، حتی از نوع منصفانه. ارانه رهاکارهای پیشنهادهی از سوی منتقدین از یک طرف می‌تواند با تضارب آرا به انتخاب گزینه‌های برتر و کارآمدتر بینجامد و از سوی دیگر امکان تبادل نظر واقعی همراه با پاسخ‌گوسازی کارگزاران را فراهم کند. هم‌زمان باید پذیرفت که کارگزاران دیپلماسی و سیاست خارجی -از کارشناس، سفیرا یا وزیر- تصمیم‌گیر نهایی نیستند و در همه‌جای دنیا مجری تصمیمات نهایی بالادستی می‌باشند». در ادامه می‌آید: «مصالح عالی هر کشور در یک حوزه خلاصه نمی‌شود و تصمیم‌گیر نهایی باید همه جنبه‌ها در یک وضعیت را بسنجد. یک دیپلمات یا یک مجری در میدان نمی‌تواند توقع داشته باشد که تصمیم نهایی را او بگیرد یا حتی تصمیم نهایی مطابق سلیقه، نگرش یا گزینه پیشنهادهی‌اش باشد. البته باید در ارانه نظر کارشناسی صادقانه و شجاعانه نظراتش را بیان دارد، اما به‌هنگام عمل بهترین و بیشترین کوشش بر اجرای بهینه و تمام‌عیار تصمیمات ملی -هرچند مجانبه‌نشیندها خود با سازمانش باشد- را به کار بسته و از همان سیاست جانانه دفاع کند.» بند آخر تشریح می‌کند که حملات و انتقادات به سیاست‌های در پیش گرفته‌شده در صحنه

آخرین گزارش برجامی وزارت خارجه به مجلس منتشر شد

گزارش یک دیپلمات برای ثبت در تاریخ

فایل بی‌دی‌اف در رسانه‌های رسمی کشور نیز منتشر شده، در ۱۴ بند تنظیم شده است. کل گزارش ۲۶۴ صفحه است اما حدود ۸۰ درصد آن به ۲۳ پیوستی اختصاص دارد که نه‌تنها مربوط به سه ماه گذشته، مطابق عنوان گزارش بلکه مربوط به بازه‌های زمانی دوتر نیز هست. بخش پیوست‌ها از بیانیه ایران هنگام تصویب برجام در تیر ۹۴ شروع می‌شود. گزارش‌های وزارت خارجه در بزنگاه‌های مهم در دوران اجرای برجام در این قسمت آورده شده‌اند. تاریخچه‌ای کوتاه از پرونده‌های مهم تحت فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد ارائه شده است تا با گزارش سرنوشت آنها، علائشان بدهد برجام ایران را از چه احتمالاتی نجات داد. ترجمه نامه‌های وزیر خارجه به نماینده ارشد اتحادیه اروپا در روابط خارجی و سیاست‌های امنیتی که در جایگاه هماهنگ‌کننده برجام حضور داشت، در این بخش آورده شده‌اند. نامه‌های مشابه

فایل بی‌دی‌اف در رسانه‌های رسمی کشور نیز منتشر شده، در ۱۴ بند تنظیم شده است. کل گزارش ۲۶۴ صفحه است اما حدود ۸۰ درصد آن به ۲۳ پیوستی اختصاص دارد. ترجمه نامه‌های وزیر خارجه به نماینده ارشد اتحادیه اروپا در روابط خارجی و سیاست‌های امنیتی که در جایگاه هماهنگ‌کننده برجام حضور داشت، در این بخش آورده شده‌اند. نامه‌های مشابه

دیپلماسی چگونه می‌تواند کشور را از منافع خود محروم کند: «هر سیاستی نقاط قوت و ضعف دارد. مخالفان یک سیاست ضمن اظهارنظر و نقد سازنده، نباید اجرای سیاست اتخاذشده را مختل کنند. مانع‌تراشی مخالفان در اجرای سیاست‌های متخذنه نه‌تنها باعث اصلاح آن سیاست نمی‌شود، بلکه موافقان سیاست را به سرخستی می‌کشاند، مانع دستیابی به حداقل منافع ناشی از آن سیاست می‌شود و همواره بهانه‌ای به دست طرفداران سیاست برای مخالفت با ارزیابی دقیق و بازنگری ضروری می‌دهد که اگر سنگ‌اندازی‌ها نبود موفقیت حاصل می‌شد. به‌هرحال، هر سیاستی اگر درست اجرا شود منطقی دارد و اگر در زمان اجرا دچار دعوا در اصل سیاست گردد، یقینا تمامی ضررهای مورد اشاره مخالفین واقع شده و هیچ‌یک از منافع منصور حاصل نمی‌گردد». در این بخش سپس به‌صراحت توضیح داده می‌شود که کدام کرده‌ها و نکرده‌ها باعث شد ایران استفاده‌ای را که می‌توانست از برجام و دستاوردهای دستگاه دیپلماسی نکند: «اگر به عوض مناقشه و مجادله بر سر اینکه برجام پیروزی قطعی بود و یا شکست کامل -که حتما هیچ‌یک نبود- همگی کوشیده بودیم بیشترین منفعت از را برجام ببریم، چه‌سا شرایط به‌گونه‌ای دیگر رقم خورده بود. اگر از ابتدا درپی استفاده حداکثری از هر میزان دستاورد برجام -حتی در بدترین نگرش‌ها- بودیم و مقدار بیشتری سرمایه خارجی جذب کرده و تعداد بیشتری از شرکت‌ها از همه نقاط جهان را به کشور کشانده بودیم، تحریم ایران اعمال فشار حداکثری بسپار دشوارتر می‌شد». همچنین تاکید می‌شود که چه غفلت‌هایی ایران را در مقابل اقداماتی مانند اقدامات ترامپ آسیب‌پذیر نگه داشت: «اگر در مورد ضرورت کار متوازن با شرق و غرب به یک اجماع ملی رسیده بودیم و از یک سو با خوش‌خیالی، دوستان دوران سختی را در سراب طمع سرازیرشدن شرکت‌های غربی از خود نرنجانده بودیم و از سوی دیگر از همه امکانات برجام برای ایجاد منافع اساسی اقتصادی برای همه کنشگران -به شمول شیعات خارجی شرکت‌های آمریکایی- بهره‌برده بودیم، هم دوستانمان سرخورده نمی‌شدند و در دوران سختی رهایمان نمی‌کردند و هم ترامپ برای فشار حداکثری با مانع جدی سرمایه‌داران جهانی -از جمله در داخل آمریکا- مواجه می‌شد. فقط نیاز بود همدل و هم‌صدا از همه امکانات برای اجرای بهینه سیاست کشور در پذیرش برجام استفاده می‌کردیم.» بالاخره این آخرین گزارش با این توصیه پایان می‌یابد: «اکنون بهترین زمان برای ایجاد این همکاری و مصداقی است. موفقیت در مذاکرات اخیر وین و شکست نهایی سیاست فشار حداکثری با بازگشت آمریکا به تعهدات تحریمی می‌تواند در فضای جدید سرای سیاست کشور، زمینه را برای بهترین بهره‌برداری از تمامی ظرفیت‌های برجام فراهم نموده، بسا اصالت‌دادن به روابط با همه شرکا و ایجاد توازن در روابط اقتصادی خارجی -و صدا البته با تکیه بر اقتصاد مقاومتی مبتنی بر درون‌زایی و برون‌گرایی- رشد و شکوفایی بی‌نظیری را برای کشور و نسل‌های بعدی به ارمغان آورد. برنامه ۲۵ ساله تا چین، روابط راهبردی با روسیه، سیاست همسایگی و اولویت همسایگان و استفاده حداکثری از تعهدات کشورهای غربی در برجام بستر مناسب برای چنین آینده‌ای است.»

و اقدام خوراکي»، همچنین در ادامه اقدامات نظارتی و شفاف‌سازی که ایران انجام داد و انجام خواهد داد فهرست شده‌اند. این توضیحات، پیش از این فهرست ذکر شده است: «چنانچه در وین توافق حاصل آید و آمریکا اقدامات فوق را انجام و تحریم‌های درگذشته را رفع نماید، جمهوری اسلامی ایران نیز -همان‌گونه که در سیاست‌های قطعی نظام اعلام شده است- پس از راستی‌آزمایی رفع تحریم‌ها (که در مورد شیوه‌های آن نیز مذاکرات متوسطی صورت گرفته است)، به تعهدات خود در برجام باز خواهد گشت». در ادامه این بخش بار دیگر تاکید می‌شود که برنامه هسته‌ای ایران در نتیجه اجرای برجام، برخلاف ادعاهای مخالفان تعطیل نشده و ایران توان و قابلیت این برنامه را حفظ کرده است: «طی ماه‌های اخیر بدون هیچ تردیدی اثبات شد که علی‌رغم برخی جنجال‌ها، تعهدات هسته‌ای ایران در برجام به‌گونه‌ای طراحی و توافق شده بود که جمهوری اسلامی ایران -ضمن اجرای دقیق و با حسن نیت همه آنها- بر اساس یک طرح مدون و دقیق علمی و فنی در هشت سال نخست (یعنی حداکثر تا دو سال دیگر) با پذیرش بعضی نظارت‌ها و اقدامات شفاف‌ساز و برخی محدودیت‌ها، نه‌تنها برنامه هسته‌ای خود را از دیدگاه بین‌المللی تثبیت کرده، بلکه تمام پایه‌های علمی و کاربردی لازم را با یک برنامه تحقیق و توسعه پیشرفته برای حرکت به سمت غنی‌سازی صنعتی جهانی با بهره‌برداری از بهترین و پیشرفته‌ترین سانتریفیوژهای خود و در اقتصادی‌ترین شکل و با بالاترین بهره‌وری برقرار ساخته است». در ادامه تاکید می‌شود: «همان‌گونه که در بخش‌های قبلی تشریح شد، پس از طی دوره هشت‌و نیم‌ساله محدودیت (سال ۲۰۱۲-۱۳)، ظرفیت غنی‌سازی ایران بر اساس برنامه‌ریزی‌های سازمان انرژی اتمی برای تکمیل، تولید و راه‌اندازی سانتریفیوژهای پیشرفته توسعه خواهد یافت. محدودیت‌های پذیرفته‌شده در برجام همگی زمان‌دار بودند و هیچ‌یک از نیازهای فوری و حیاتی کشور در حوزه هسته‌ای را تعطیل نکرده‌اند.»

کوتاه از دیپلماسی

پادشاه عمان و پادشاه عربستان با محوریت ایران دیدار کردند

● **اینا به نقل از واس**؛ هیثم بن‌طارق، پادشاه عمان، در سفری به عربستان با ملک سلمان، پادشاه عربستان و محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان دیدار کرد. در بیانیه‌ای که پس از این دیدار درباره محورهای این گفت‌وگو منتشر شد، آمده است که رهبران عمان و عربستان در این دیدار در مورد یمن گفت‌وگو کردند و بر همکاری با یکدیگر درخصوص موضوعات مختلف دوجانبه تأکید کردند. همچنین به طرف تأکید کردند هر دو کشور باید درباره موضوع هسته‌ای و موشکی ایران با یکدیگر همکاری کنند و خواهان مقابله با اقدامات بی‌ثبات‌کننده در منطقه شدند.

مذاکره میان ایران و مصر در قاهره

● **ایستا**: روزنامه العربی الجدید به نقل از برخی منابع مصری مدعی شد اخیرا مذاکراتی میان ایران و مصر با هدف بهبود روابط میان دو کشور پرونده‌های منطقه‌ای انجام شده است.

این منابع گفته‌اند هفته گذشته قاهره میزبان یک هیئت ایرانی بوده و این هیئت با مسئولان عالی‌رتبه سازمان اطلاعات مصر دیدار و در رابطه با مسائل حساس میان دو کشور که منجر به بحران روابط شده است، بحث و رایزنی کرده‌اند. این منابع گفته‌اند هدف از برگزاری این مذاکرات ایجاد روابط کامل میان دو کشور نیست، بلکه ایجاد روابط متوازن از طریق کانال‌های روشن و دائمی با هدف همکاری‌های دوجانبه درخصوص مسائل مختلف و برسی جلوگیری از هرگونه درگیری است.

این منابع گفته‌اند هفته گذشته قاهره میزبان

تقابل با جهان وتوسعه اقتصادی؟!

چنان‌که حتی درباره کشور چین که امروز کل سرسبد جهان و الگوی بسیاری از کشورهای دارای مدل توسعه امرانه است، هیچ‌گاه ارتباط با جهان قطع نشده و به‌ویژه دشمنی با سرمایه خارجی وجود نداشته و این درجه همواره باز بوده است. چنان‌که دنگ شیائوپینگ معتقد بود «بزرگ‌ترین چالش‌های چین، گرسنگی و فقر است و نه سرمایه‌داری» (چین چگونه سرمایه‌داری شد، رونالد کوزل). تنها کشوری که به نظر می‌رسد تا حدی توانسته با وجود تحریم‌های شدید و تداوم مشکلات با جهان غرب همچنان اقتصاد خود را سرپا نگه دارد، روسیه است که حکایت این کشور نیز حکایت دیگری است؛ کشوری با یک نظام حزبی و ایدئولوژیک قدرتمند و همچنان دارای دامنه نفوذ در کشورهای اروپای شرقی و نقاط دیگر جهان به‌واسطه اشتراکات و همسنگی‌های ارزشی، قومی، نژادی و نیز ناسیونالیسم روسی؛ اما حدود سه‌چهارم اقتصاد این کشور نیز وابسته به تولید و صادرات مواد خام معدنی و انرژی است و حتی یک برند معتبر و بازار جهانی در کالاهای مصرفی با‌داوام و… ندارد و تله راهبرد «جان‌سنینی واردات»، اقتصاد این کشور را دچار ضعف شدید کرده است. مدلی که در آن «زمان و هزینه بسیار صرف تولید کالاهایی شده که در آنها مزیت بالایی نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر ندارد و هرچند به خودکفایی در تولید برخی کالاها رسیده اما

فرصت رشد با استفاده از توان و مزیت سایر کشورهای پیشرفته را از دست داده است»، (سیاست جان‌سنینی واردات: در روی سکه آینده اقتصاد روسیه، احسان رسولی‌نژاد، آذر ۱۳۹۷). غرض آنکه مخالفان دولت که امروز بر طبل انتقام و تحریم‌های درگذشته را سیزدهم می‌کوبند، باید اقدام به تجلیل و تعظیم ایس دولت کنند که آمال و آرزوهای آنان را در کاهش ارتباط با جهان و آزادی‌های حداقلی تحقق بخشیده و کشور را نیز به هر طریق اداره کرده است. کشوری که با ریسک بالای اعتباری در جهان مواجه است و چند دهه رشد پایین (متوسط دو درصدی) داشته و تورم حدود ۲۰ درصد و پس‌انداز و سرمایه‌گذاری اندک و… مهم‌ترین نقد کارشناسان و فعالان اقتصادی و افراد و نیروهای سیاسی مستقل به دولت، در ضعف در انجام اصلاحات ساختاری اقتصادی و افزایش حرکت به سمت بازار آزاد و رقابتی و ارتقای حقوق و آزادی‌های شهروندی است. اقداماتی که در بستر افزایش مشارکت اجتماعی، تعاملی مثبت با جهان و حضور در بازارهای جهانی و پیوند با نهادهای بین‌المللی ممکن می‌شود، چراکه هیچ کشوری با مشارکت نازل اجتماعی و عدم پیوند با اقتصاد جهانی نتوانسته رشد مداوم بالای پنج درصد داشته باشد و کشورهای با رشد بالای حدود شش درصد در چند دهه مانند چین، کره‌جنوبی، سنگاپور و برزیل مبتنی بر رضایت شهروندان و در پیوند تنگاتنگ با اقتصاد جهانی بوده‌اند. راه دیگری وجود ندارد و امید است در مسیری صحیح گام برداشته شود؛ اقتصاد بسامان شود و مردم راضی و خشنود و با جهان در صلح و همکاری، وگرنه جز بدترشدن اوضاع نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد. البته اگر آن روز شکست خود را گردن دولت فعلی نیندازند؛ رفتاری که زمینه‌های آن را از هم‌اکنون چیده‌اند. سیدمحمود نبویان، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی گفت: «یک دولت مقروض و سرزمین سوخته به آقای رئیسی تحویل داده شده است» (رسانه‌ها، ۱۹/۴/۱۴۰۰).